

«ایران» از بازار تئاتر ایران در جشنواره تئاتر فجر گزارش می‌دهد



باید واقع‌گرایانه به مسئله نگاه کرد

نوشته احسان زیور عالم

واقع‌گرایانه به مسئله نگاه کرد. چرا اثر هنریمان را در گیشه عرضه می‌کنیم؟ سال گذشته در مراودات و گفت‌وگوهایم با کارگردانان در باب بازار تئاتر این تناقض بیش از هر چیزی به چشم می‌آمد. هنرمند راضی از اثر خود، با شکست در توجیه حامی خارجی روبه‌رو می‌شد. او نمی‌توانست اثر هنریش را بدرستی معرفی کند. طرف خارجی استدلال‌ها را نمی‌پذیرفت و محصول یک مراوده یا تبادل فرهنگی، یک یاس بود. هر چند بخشی از این یاس به همان وابستگی هنرمند به دولت بازمی‌گشت؛ اما مشکل به فقدان درک طرف مقابل نیز بازمی‌گشت. طرف خارجی در یک بازار شرکت جسته که در آن اقتصاد مسئله مهمی است. او به اقتصاد اثر نیز فکر می‌کند. او با نوعی سوداگری مواجه است.

در سخنرانی امیررضا کوهستانی که چند ماه پیش در تئاتر مستقل برگزار شد، او از شرایط کار در کمپانی‌های آلمانی گفت. اینکه چگونه مناسبات تولید و اجرا در آلمان برپایه نوعی تعادل هنر و مدیریت پایه‌ریزی شده است. اینکه چگونه مدیریت تئاتر می‌بایست براساس اقتصاد سالانه خود برنامه سالانه طراحی کند و کارگردانان بر اساس برنامه مالی کمپانی نقشه هنری سالانه خود را ترسیم می‌کنند. این چیزی است که هنرمندان ایرانی خود را میرا می‌کنند و از آنجا که تولید تئاتر هنوز در انقیاد دولت است، دولت نیز برنامه‌ای این‌چنینی در دست ندارد. حالا بازار تئاتر می‌تواند یک فرصت باشد که هنرمند نیز به یک برنامه‌ریزی مالی حداقل سالانه دست یابد. باید جهانی شد اگر می‌خواهیم با چیزی به نام بازار تئاتر سروکار داشته باشیم. باید مفهوم بازار، اقتصاد و برنامه‌ریزی مالی را بخشی از رفتار خود قرار دهیم. ■

را در کلام و تفرق‌آرا را در عمل دنبال می‌کنند تا جایی که نمی‌توان این روزها اثر هنری با سرمایه مشترک نهادها نام برد. در مقابل شاید همکاری با کمپانی‌های اروپایی تمرین همگرایی در کنار تأمین سرمایه اولیه هنری باشد. بازار تئاتر فجر حالا یکی از چند راهکار برای رسیدن به منابع اقتصادی است. با گسترش ابزارهای ارتباط جمعی و تسهیل یافتن آدم‌ها در فضای مجازی، باید به بازار تئاتر نگاهی فرصت‌طلبانه داشت. امروز این تنها راه گفت‌وگوی زنده میان هنرمند و تولیدکننده است. هنرمند می‌تواند بدون دغدغه‌هایی چون چگونگی ارسال اثر، توضیح و توجیه مشکلات اجرا و در نهایت ایجاد همدلی هنرمندانه اثر خود را عرضه کند. بازار حالا یک وضعیت تبادل مستقیم است، نفس به نفس و همه چیز به خود هنرمند و اثرش و تأثیرگذاریش بر نماینده کمپانی باز می‌گردد.

حالا به یک استقلال نیز می‌رسیم. بازار می‌تواند هنرمندان را با شرایطی مواجه کند تا بتواند مستقل از دیگران مسیری تازه‌ای به روی خود بگشاید و برنامه‌های آتی خود را پیش برد. هنرمند منهای مقوله زبان، باید روی پای خودش بایستد. باید خودش را اثبات کند و از آنچه آفریده دفاع کند. دیگر نه شکی در کار است و نه شبهه‌ای. در مراوده مستقیم حتی می‌توان به این درک رسید که طرف مقابل به چه می‌اندیشد و خواهان چه چیزی است. به عبارتی عنوان بازار در این زمینه نمود بیشتری پیدا می‌کند. بازار و معامله‌گری حالا بیش از هر زمانی آشکار می‌شود. حالا هنرمند باید با این حقیقت روبه‌رو شود که بازار بر وجهی از فعالیت بشری تمرکز دارد که شاید چندان با نگاه هنری ما هم‌خوانی نداشته باشد. هنرمند در آرمان نمی‌تواند اثرش را یک کالا در نظر بگیرد؛ اما باید

بازار تئاتر فجر از زمان شکل‌گیری در اوایل دهه هشتاد تا به امروز دستخوش تغییرات بسیاری شده است. دیگر خبری از آن یارانه‌های دولتی برآمده از فروش نفت نیست. هنرمندان دیگر آن وابستگی دولتی را ندارند و اصلاً مسئولان توانایی حمایت ندارند. کاهش بودجه سالانه دیگر فرصتی به سرمایه‌گذاری در بازار تئاتر نمی‌دهد. وقت استقلال و درآمدزایی است؛ اما پرسش مهم این است به جز گیشه تئاتر در کشور، بازار تئاتر می‌تواند فرصت اقتصادی برای تئاتر ایران فراهم کند.

مراودات فرهنگی و تبادل آثار هنری در وجه عمومی یک عمل شریف و انسانی به حساب می‌آید. تبادل فرهنگی شعار جذابی است که هر حکومت و دولتی تلاش می‌کند بدان پایبند باشد؛ اما ورای این شعارها یک واقعیت اقتصادی نیز نهفته است. فرهنگ و هنر نیز همانند تمام حوزه‌های بشری به اقتصاد وابسته است. فرهنگ و هنر بدون سرمایه مالی توانایی تداوم در وجه عمومی ندارد. در جهان تئاتر یک نمایش نمی‌تواند براساس قواعد امروز، بدون سرمایه اولیه آغاز به کار کند. خلاقیت هنری این روزها خود را با اقتصاد تطبیق می‌دهد. برای طراحی یک دکور، کارگردان و طراحانش مجبور به بررسی آنچه در جیب دارند، هستند. رویاها ممکن است دیگر به واقعیت بدل نشوند. هنرمند با امر رئالیستی روبه‌رو است.

تبادل فرهنگی یک مفر است. برای رسیدن به یک اقتصاد پایدار هنری نمی‌توان تنها به یک منبع مالی بسنده کرد. در اروپا نیز این روزها اثر هنری محصول مشترک چند کمپانی است. برای رسیدن به یک آفرینش هنری ایده‌آل نیاز به یک همگرایی است. اگرچه این اتفاق در ایران به سختی رخ می‌دهد و متولیان تئاتری – که در عدد کثیر هستند – همگرایی